

## تفاوت‌های نگرشی مردان و زنان نسبت به نابرابری جنسیتی در خانواده در شهرستان گنبد کاووس

دکتر غلامرضا خوشفر<sup>۱</sup>، علیرضا اسماعیلی<sup>۲</sup>

### چکیده

نابرابری جنسیتی یکی از عوامل محرومیت زنان از حقوق اجتماعی شان است. گرچه در جامعه امروز به نسبت دیروز شرایط زنان در برخورداری از حقوق اجتماعی، بویژه در کشورهای توسعه یافته بهتر گردیده است، لیکن در کشورهای در حال توسعه و به ویژه در کشورهای فقیر تفاوت قابل ملاحظه ای نکرده است. البته افزایش میزان باسواد و سطح تحصیلات، سبب افزایش بهره مندی زنان از حقوق شان و کاهش نابرابری جنسیتی در خانواده گردیده است. این مقاله با هدف شناخت نگرش مردان و زنان نسبت به نابرابری جنسیتی در خانواده تدوین گردیده است، چرا که علاوه بر مردان، زنان نیز در برخی موارد، در کنار مردان نگرش مثبتی نسبت به نابرابری جنسیتی دارند، لذا جهت رفع آن باید نه تنها زنان، نگرش خود را نسبت به نابرابری جنسیتی تغییر داده، بلکه تلاش مضاعفی در جهت تغییر نگرش مردان نیز انجام دهند. نتایج نشانگر آنست که ۶۱ درصد پاسخگویان موافق و ۳۳ درصد مخالف نابرابری جنسیتی در خانواده هستند و ۶ درصد نیز دیدگاه بینابینی نسبت به آن داشته اند.

**واژگان کلیدی:** نابرابری جنسیتی، خانواده، نگرش

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۱۰/۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۱۱/۲۱

<sup>۱</sup> عضو هیات علمی دانشگاه پابلسر [khoshfar@yahoo.com](mailto:khoshfar@yahoo.com)

<sup>۲</sup> عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزاد شهر

**مقدمه**

نابرابری جنسیتی در خانواده پدیده‌ی جدیدی نیست، لیکن در عصر حاضر مباحث پیرامون آن در جامعه جهانی افزایش یافته است. در عصر قدیم زنان همانند مردان در تأمین معاش خانواده مشارکت می کردند، لیکن حرکت جوامع به سمت جامعه صنعتی سبب افزایش نابرابری گردید. بعبارت دیگر "حرکت جامعه از کشاورزی به صنعتی سبب جدائی مردان از خانه و کار در بیرون و کسب درآمد بیشتر گردید و زمینه نابرابری جنسیتی در خانواده فراهم گردید، زیرا قبل از آن تفاوت قابل توجهی بین مرد و زن وجود نداشت." (خانی، ۱۳۸۵: ۶) بطور مشخص در دوره فتودالیت یا زمین داری، زنان آرام آرام به سمت خانه داری سوق داده شدند. بعبارت دیگر به زنان تلقین شد که وظیفه آنها خانه داری و رسیدگی به امور منزل، فرزندان و شوهر است و باید از امور جامعه و اشتغال در خارج جدا گردند.

در جامعه پیش و پس از سرمایه داری زنان به صورت رایگان به کارهای خانه می پردازند و همین عامل سبب تسلط مرد بر زن می گردد. به نظر لیز استیل<sup>۱</sup> و وارن کید<sup>۲</sup> «الزاماً زنان باید از مردان تبعیت کنند.» (۲۰۱۱: ۶۳) بعبارت دیگر، در جامعه سنتی، کارهای خانه از کارهای تولیدی تفکیک نگردیده بود، لذا همه با هم در انجام کارها مشارکت می کردند. لیکن در اوایل عصر صنعتی، زنان بتدریج نقش دوگانه ای پیدا نمودند و در کنار خانه داری و مراقبت از کودکان به کارهای تولیدی خارج از خانه نیز پرداختند.

در جامعه امروز، زن برای راحتی شوهرش وظایف خانه داری را بر عهده می گیرد. «کسی که یک کار روزانه معمولی را انجام می دهد، ناچار نیست که کارهای خانه خود را انجام دهد» (دلفی و لئونارد، ۱۳۸۶: ۲۷۱) کارهایی که زنان برای خانه، فرزندان و شوهر انجام می دهند تا آنها با آسودگی به تحصیل یا کار یا حتی اوقات فراغت پردازند، در معرض دید نیستند، زیرا اولاً وظیفه زن تلقی شده، ثانیاً کاملاً خصوصی و شخصی است و بر همین اساس است که گالبریس «زنان را مستخدمه هایی نامریی می داند.» (همان: ۲۷۵) به هر حال مردان با بی توجهی به کار زنان در خانه نسبت به آنها جفا می کنند، زیرا خانه داری کار پرمشقتی است، «کار خانه داری آن قدر زیاد است که وقتی آدم بیرون از خانه کار می کند، حتی یک چهارم آن را نیز نمی تواند انجام دهد» (وستوودن، ۱۳۸۶: ۲۸۱) بنابراین انجام کارهای خانه چون امری معمول تلقی شده است، از نظر مردان اهمیت زیادی ندارد و آنرا وظیفه ذاتی زن می دانند، در صورتیکه اگر یک روز

زنان کارهای سنگین خانه و بچه داری را انجام ندهند، امور منزل دچار آشفتگی گردیده و مردان بیشتر به ارزش زنان پی می برند و با تمام تلاشهایی که از جانب جنبشهای فمینیستی و بین المللی و حتی دولتها صورت گرفته، موفقیت چندانی نداشته است و هنوز هم نابرابری جنسیتی دغدغه اندیشمندان و صاحب نظران جامعه شناسی بویژه فمینیستی و زنان است.

بنابراین نابرابری جنسیتی در خانواده، امری مذموم به شما نمی رود، زیرا به نظر صاحب نظران، مردان و زنان در یک فرهنگ مشترک پرورش یافته اند، لذا بطور طبیعی انجام امور خانه وظیفه زنان و انجام امور خارج از منزل وظیفه مردان تلقی می گردد. لذا این مقاله به دنبال شناخت تفاوت نگرش مردان و زنان نسبت به شاخص های دهگانه نابرابری جنسیتی در شهرستان گنبد کاووس تنظیم و تدوین گردیده است.

#### تعریف نابرابری جنسیتی

نابرابری به معنی بر خوداری یک گروه از امتیازات و امکانات اجتماعی و اقتصادی بیشتر در جامعه است و بدون شک در خانواده نیز نابرابری جنسیتی به مفهوم پاداشها و امکانات بیشتر برای یکی از دو جنس مرد یا زن می باشد و شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه نقش مؤثری در توزیع نابرابر امتیازات، امکانات، موقعیتها و فرصتها دارد. بعبارت دیگر، ناخواسته خود علیه خود قد علم می کنند. نابرابری جنسیتی از طرف مردان، یا حتی گاهی موارد از طرف زنان، علیه زنان است که در مورد اخیر جای تأمل دارد، چرا که گاهی زنان دیدگاه مثبتی نسبت به خود در مقابل مردان ندارند.

نابرابری جنسیتی شامل «حق رأی زنان جهت شرکت در فعالیتهای سیاسی، برابری دستمزد زنان و مردان در قبال کار برابر، فرصت های نابرابر در دسترسی به امکانات آموزشی، کار خانگی و ابهام احتساب آن در ایجاد تولید ناخالص ملی، عدم مشارکت در تصمیم گیری های درون خانه و نابرابری در حقوق مدنی می باشد.» (محمودی اصل، ۱۳۸۱: ۵۴) نابرابری جنسیتی، «عبارتست از نابرابری زن و مرد در داشتن امکانات موجود.» (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۶۷۳) البته در صورتیکه شرایط برابر باشد، بعبارت دیگر اگر زنان شرایط برابری در تحصیلات، اشتغال و امثالهم داشته باشند، لیکن در داشتن امکانات موجود نابرابر باشند، نابرابری جنسیتی حاکمیت دارد. بعبارت دیگر «هرگونه رفتار، سیاست، زبان و دیگر کنش هایی که نشان دهنده دیدگاه ثابت، فراگیر و نهادینه شده اعضای جامعه نسبت به زنان به عنوان موجوداتی فرودست باشد، به معنای نابرابری جنسیتی است.» (Krammara & Treicehr, 1985:85) بعبارت دیگر برخی تفاوت های زن

و مرد را بر اساس ویژگیهای جسمانی دانسته اند که به نظر می‌رسد در جامعه امروز نقش قابل توجهی در نابرابری جنسیتی نداشته باشد، بلکه ویژگیهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تعیین‌کننده هستند. «دیدگاه تفاوتی فمینیستی، بر جنس که مقوله‌ای کاملاً زیستی است پا می‌فشارد، در حالی که دیدگاه نابرابری فمینیستی، بر مقوله جنسیت که در برگیرنده مؤلفه‌های فرهنگی، اجتماعی و روانی است.» (Wood, 1999:20)

#### هدف، ضرورت و سؤالات

هدف این مقاله، شناخت نگرش مردان و زنان نسبت به نابرابری جنسیتی در خانواده است. به نظر می‌رسد نگرش مردان و زنان نسبت به نابرابری جنسیتی تفاوت قابل ملاحظه‌ای داشته باشد. به همین علت مساله نابرابری جنسیتی یکی از موضوعات اصلی به ویژه از سوی فمینیستها در جامعه امروز طرح گردیده است. و در کشور ما نیز بعد از انقلاب اسلامی وارد فاز جدیدی گردیده است. بنابراین ما در این مقاله بدنبال پاسخ به سه سوال هستیم:

- ۱- نگرش مردان نسبت به نابرابری جنسیتی در خانواده چیست؟
- ۲- نگرش زنان نسبت به نابرابری جنسیتی در خانواده چیست؟
- ۳- آیا تفاوت قابل توجهی بین نگرش مردان و زنان نسبت به نابرابری جنسیتی در خانواده وجود دارد؟

از ضرورت‌های این پژوهش می‌توان به بازبانی نقش زنان در روند توسعه پایدار اشاره کرد. در جامعه ما از توان و پتانسیل زنان کمتر استفاده شده است و بطور حتم یکی از موانع توسعه کشور محسوب می‌گردد. بعبارت دیگر، عدم استفاده صحیح نیروی زنان مانعی جدی در راه توسعه کشور است. البته افزایش سطح سواد زنان، سبب افزایش سطح انتظارات و توقعات آنها، و آن نیز سبب تغییر در الگوهای سنتی می‌گردد، لذا در دراز مدت جامعه‌گریز و گزیری جز پذیرش کاهش نقش نابرابری جنسیتی در خانواده ندارد، یا در غیر اینصورت خانواده‌ها دچار تزلزل بیشتری می‌گردد. بنابراین جهت جلوگیری از انهدام و از هم پاشیدگی خانواده‌ها انجام چنین پژوهشی ضرورت دارد.

روش غالب در پژوهش پیمایشی است و مهمترین ابزار گردآوری داده‌ها یا تکنیک غالب در پژوهش، پرسشنامه است. عبارت دیگر، در روش پیمایش، ابزار گردآوری اطلاعات و داده‌ها، در وهله اول پرسشنامه و در مرحله دوم اسناد و مدارک هستند که هر یک بدون دیگری ارزش علمی ندارند.

جامعه آماری در این بررسی کارکنان شهرستان گنبد کاووس در بخشهای مختلف فرهنگی، خدماتی و کشاورزی هستند. حجم جمعیت نمونه با ۹۹ درصد اطمینان ۳۹۸ نفر می‌باشد. با عنایت به پراکندگی و گستردگی جامعه آماری در این مطالعه، ابتدا از نمونه گیری خوشه ای چند درجه ای و سپس از شیوه اتفاقی استفاده گردید.

برای اعتبار ابزار تحقیق، پرسشنامه محقق ساخته در اختیار کارشناسان خبره قرار گرفت، پرسشهایی که دیدگاههای کارشناسان راجع به آنها یکسان بوده، انتخاب و در غیر اینصورت با نظر آنها تغییر متناسب ایجاد گردیده است. جهت روائی ابزار پژوهش، از آزمون آلفای کراباخ استفاده گردیده است.

#### چارچوب نظری پژوهش

در این پژوهش، نظریه های فمینیستی، کارکردگرایی، مارکسیستی، و نوسازی راجع به نابرابری جنسیتی بررسی و تحلیل می گردند. از دیدگاه فمینیستی، حقوق زن و مرد برابر است و جنسیت باعث نابرابری نمی شود. زنان و مردان باید از حقوق شهروندی برابری برخوردار شوند و نباید زن را به خاطر زن بودن از حقوق شهروندی محروم کرد. زن به خاطر زن بودن نباید تحت ظلم و ستم مردان باشد. زن نباید بطور مطلق زیر سیطره مرد باشد. زنان باید همانند مردان در جامعه و خانواده از حقوق برابر برخوردار باشند. به عبارت دیگر براساس این دیدگاه، «زن و مرد هیچ تفاوت زیست شناختی و روان شناختی واقعی باهم ندارند و تمایزات صوری آنها بیشتر ریشه ای غیرطبیعی، اجتماعی، تاریخی و یا تربیتی دارد، لذا هیچ دلیلی برای برتری انگاری مرد نسبت به زن و تضعیف حقوق زن وجود ندارد.» (حکیم پور، ۱۳۸۲: ۱۲۵) زنان در دیدگاه فمینیستی در مقابل مردان نیستند، بلکه آنها بدنبال آن هستند تا در کنار مردان کار کنند. زنان به دنبال آن هستند که به عنوان جنس دوم به آنها نگاه نکنند و خواهان برابری بیشتر با مردان هستند، لذا افکار و تعصبات مقابله با زن و تحقیر او باید پس زده شود.

بنابراین همه نظریه‌های فمینیستی بر ستم به زنان تأکید می‌کنند، و اینکه زنان برای رهایی از قید سلطه از مردان مبارزه پیگیر داشته باشند. فمینیست‌های لیبرال به دنبال آشکار کردن تبعیض علیه زنان و اصلاح قوانین برای رهایی زنان از قید تسلط مردان است. در دیدگاه فمینیست‌های رادیکال مرد سالاری مسأله اصلی است و زنان برای رهایی باید در مقابل مردان مقاومت و مبارزه کنند، فمینیست‌های مارکسیست نیز دلیل عمده ستم بر زنان را عدم ورود آنان به عرصه عمومی جامعه می‌دانند. فمینیست‌های سوسیالیست معتقدند ستم بر زنان وابسته به دو نظام سرمایه داری و مردسالاری است. به عبارت دیگر نظام سرمایه داری در کنار نظام مرد سالاری در تسلط مردان بر زنان مؤثر است و با پایان نظام سرمایه داری زنان از قید تسلط مردان رها نمی‌شوند، زیرا زنان باید با مردان نیز مبارزه نمایند. به عبارت دیگر، فمینیست‌های رادیکال ستم بر زنان را مسأله اصلی می‌دانند. مرد سالاری در تمامی جوامع و برای تمامی زنان صرف نظر از ویژگی‌های نژادی، اقتصادی، فرهنگی و طبقاتی وجود دارد. فمینیست‌های مارکسیست ستم بر زنان را جزئی از نظام سرمایه داری می‌دانند، در حالیکه فمینیست‌های سوسیالیست اعتقاد دارند دو نظام مرد سالاری و سرمایه داری با هم بر زنان ستم می‌کنند، گرچه در تضاد با یکدیگرند.

کارکردگرایی وضع موجود جنسیتی را تثبیت و بر نابرابری جنسیتی و تفکیک جنس‌ها صحه می‌گذارد و خواهان حفظ وضع موجود است. کارکردگرایان تفاوت میان زن و مرد را امری ذاتی می‌دانند که نباید در آن تغییری صورت داد (Millett, 1972:230) که به نظر غیرعقلانی و غیرمنطقی به نظر می‌رسد، گرچه یک واقعیت تلخ و انکارناپذیر است. کارکردگراها، برتری مردان بر زنان را سبب تعادل، ثبات و وفاق در خانواده می‌دانند و امری ضروری است و به اعتقاد مرتن، ضرورت کارکردی است، چرا که در غیر اینصورت خانواده از نقش خود باز می‌ماند. به عبارت دیگر در هر خانواده یک مدیر نیاز است که آنهم مرد است و زن وظیفه مراقبت از فرزندان را بر عهده دارد. به نظر دیویس و مور نیز، نابرابری جنسیتی ضرورتی کارکردی است، زیرا باعث تعادل خانواده می‌گردد.

از دیدگاه مارکسیستی، نابرابری جنسیتی در خانواده، شکلی از نابرابری اجتماعی است. برتری مردان به منزله فروتری زنان در جامعه و خانواده است. به عبارت دیگر، «مردان فقط در صورتی می‌توانند از پایگاه برتر برخوردار شوند که زنان پایگاه پست‌تری داشته‌باشند و الگوهای موجود نقش جنسیت به مردان اجازه می‌دهد که امتیازات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خود را حفظ

نمایند. این بدان معنی است که گروه مسلط از شرایط موجود سود می‌برد و علاقه‌ای برای تغییر آن ندارد.» (رابرتسون، ۱۳۷۴: ۲۸۲)

عامل اصلی نابرابری جنسیتی در این دیدگاه، اقتصاد است. به عبارت دیگر نابرابری اقتصادی منشأ نابرابری جنسیتی است. لذا مردان بواسطه درآمد بیشتر و تأمین معاش خانواده، نسبت به زنان پایگاه برتری در جامعه و خانواده دارند و هرچه زنان از لحاظ اقتصادی وضعیت مناسب‌تری پیدا کنند، نابرابری مزبور بین مردان و زنان از بین رفته، یا حداقل کاهش می‌یابد. بنابراین «منشأ کلی نابرابری جنسیتی از دیدگاه ستیز گرایان نابرابری اقتصادی بین مردان و زنان است.» (رابرتسون، ۱۳۷۴: ۲۸۲) البته به نظر منتقدان، مارکسیسم توجه کمتری به زنان دارد، بعبارت دیگر، «این نظریه به رابطه سلسله مراتبی میان زن و مرد در داخل خانه و در محیط عمومی توجهی نمی‌کند. لذا، به زعم فمینیست‌ها، مارکسیسم نیز اندیشه‌ای مرد مدار و قابل انتقاد تلقی می‌شود.» (مشیرزاده، ۱۳۸۳: ۱۲۹) و اینکه طبقه از نظر مارکس شامل مردان می‌شود، خود نشانگر بی‌توجهی به زنان است.

نوسازی و توسعه زمینه ساز نوعی تقسیم کار جنسی را فراهم نمود. نوسازی سبب گردید، خانواده هسته‌ای جایگزین خانواده گسترده گردد و این خود سبب تقسیم کار در خانه گردید. زن با توجه به ویژگیهای جسمانی و زایش به کارهای خانگی سوق داده شد و مرد جهت تولید به کارهای خارج از خانه تمایل پیدا کرد. به نظر جامعه‌شناسان روند جامعه پذیری مردان و زنان سبب پذیرش نقشهای اجتماعی متفاوت توسط زنان امروزی گردیده است. به نظر آنها تقسیم کار باعث عملکرد مناسب تر خانواده و ثبات جامعه می‌گردد و رقابت بین مردان و زنان را از بین می‌برد. «در فرآیند نوسازی تغییرات فناوری به وجود آمده عدم تناسب بیولوژیکی زن و مرد از نظر قدرت فیزیکی را کاهش داده است و زنان این فرصت را پیدا کردند که از کارهای خانه آزاد شده، وارد بازار کار شوند.» (Jaquette & taudt, 1982:269) بنابراین نوآوریهای تکنولوژیکی نیازمند نیروی جسمانی قوی نیست، بلکه نیازه فکر و اندیشه دارد، لذا به راحتی راه را برای ورود زنان به عرصه صنعتی فراهم می‌کند و آنها در کنار کارهای منزل در بیرون نیز کار می‌کنند.

در عصر حاضر، مشارکت زن و شوهر در امور مالی و تصمیم گیریها حرکت به سمت خانواده دموکراتیک است. بعبارت دیگر، در دنیای مدرن، تصمیم گیریها در خانواده توافقی است، لیکن با این وجود نابرابری جنسیتی کم و بیش در خانواده‌ها وجود دارد، که بیشتر حاصل نگرش زنان نسبت به خودشان است، بعبارت دیگر زنان جایگاه خودشان را در وضعیت پست تر نسبت به

مردان پذیرفته‌اند، که بیانگر غلبه تفکر کارکردگرایی است و این بررسی بیشتر با نگرش صورت گرفته است.

#### تفاوت‌های نگرشی مردان و زنان

با توجه به اینکه نابرابری جنسیتی در خانواده یک متغیر چند وجهی است، با طرح یک شاخص یا سؤال قابل سنجش یا اندازه‌گیری نیست، لذا از شاخص‌ها یا معرف‌های دهگانه اعتماد به زن، آشپزی مرد، مشورت با زن، نقش زن در تعادل خانواده، آزادی انتخاب شغل، نظافت در خانه، قاطعیت زن، احترام به زن، شستشوی لباس و نگهداری از بچه که خود ساخته یا محقق ساخته است، برای اندازه‌گیری آن استفاده می‌گردد. در ضمن برای سنجش آنها از مقیاس لیکرت که پاسخها شدت و ضعف دارند، بهره گرفته شده است.

در ارتباط با شاخص اعتماد به زن داده‌های آماری، بیانگر آنست که اغلب پاسخگویان به زن اعتماد دارند، چرا که ۹۳/۸ درصد پاسخگویان اعتماد به زن را در خانه زیاد و خیلی زیاد دانسته‌اند، عبارت دیگر ۵۵/۵ درصد موافق اعتماد به زن و ۳۸/۳ درصد بسیار موافق بوده‌اند و در مقابل ۱/۱ درصد پاسخگویان اعتماد به زن را در خانه کم و خیلی کم دانسته‌اند. و ۰/۸ درصد مخالف اعتماد به زن و ۰/۳ درصد خیلی مخالف اعتماد به زن بوده‌اند و ۵/۳ درصد نیز نگرش بینابینی داشته‌اند. راجع به شاخص مذکور، گرچه تفاوت زیادی بین نگرش مردان و زنان وجود ندارد، لیکن نسبت‌های پاسخ مردان نسبت به زنان در برخی مقولات متفاوت است، زیرا ۵۷/۳ درصد مردان اعتماد به زن را زیاد و ۳۶/۵ درصد خیلی زیاد دانسته‌اند، در صورتیکه ۵۱/۶ درصد زنان میزان اعتماد به خود را در حد زیاد و ۴۲/۱ درصد خیلی زیاد دانسته‌اند که در مجموع دیدگاه مردان با زنان تفاوتی با یکدیگر نداشته است.

راجع به شاخص آشپزی مرد، دیدگاه‌ها و نگرش‌های پاسخگویان متفاوت و پراکنده است، داده‌های آماری، بیانگر آنست که ۹/۰ درصد پاسخگویان بسیار مخالف و ۳۲/۸ درصد مخالف آشپزی مردان در خانه هستند و در مقابل، ۳۱/۵ درصد موافق و ۵/۳ درصد بسیار موافق هستند و ۲۱/۰ درصد نگرش بینابینی نسبت به شاخص مورد نظر دارند که نگرش مردان با زنان اندکی اختلاف دارد، زیرا ۳۲/۸ درصد مردان موافق یا بسیار موافق آشپزی در خانه هستند و ۴۴/۹ درصد مخالف یا بسیار مخالف و ۲۲/۳ درصد نگرش بینابینی دارند، در صورتیکه زنان به نسبت مردان



تفاوت‌های نگرشی مردان و زنان نسبت به نابرابری جنسیتی در خانواده..... ۱۲۱

گرایش بیشتری به آشپزی مردان در خانه دارند، چرا که طبق آمار ۴۵/۶ درصد زنان موافق و بسیار موافق آشپزی مردان در خانه هستند که نسبت به نگرش مردان ۱۲/۸ درصد تفاوت وجود دارد. در ارتباط با شاخص مشورت با زن، نیز اغلب پاسخگویان موافق یا بسیار موافق می باشند. زیرا طبق داده های آماری، ۵۲/۵ درصد موافق و ۳۹/۰ درصد بسیار موافق مشورت با زن می باشند، که نشانگر آنست که پاسخگویان مرد و زن نگرش نسبتاً یکسانی نسبت به شاخص مورد نظر داشته اند، زیرا ۹۳/۸ درصد مردان موافق و بسیار موافق و ۸۸/۸ درصد زنان نیز موافق و بسیار موافق مشورت با زن هستند که تفاوت قابل توجهی با یکدیگر ندارند، لیکن داده ها نشانگر آنست که اعتماد مردان نسبت به زنان در مشورت، به نسبت خود زنان بیشتر است، بعبارت دیگر به نظر می رسد، برخی از زنان به توانایی های خودشان کمتر باور دارند و فقط ۴/۰ درصد مخالف و ۰/۸ درصد خیلی مخالف مشورت با زن هستند و ۳/۳ درصد نیز نگرش بینایی دارند که نقش زنان در مخالفت با خود به نسبت مردان بیشتر است، چرا که فقط ۶/۳ درصد مردان با مشورت با زن مخالف و بسیار مخالف هستند، در صورتیکه این درصد برای زنان ۸/۱ درصد می باشد، یعنی زنان ۲ درصد بیشتر از مردان با مشورت با جنس خود مخالف هستند.

زنان به واسطه تربیت شان، در تعادل و و ثبات خانواده نقش مهمی دارند. داده ها نیز این نظر را تأیید می کنند. طبق داده های آماری، ۹۴/۱ درصد با نقش زن در تعادل خانواده موافق و بسیار موافق بوده

و هیچکس بسیار مخالف نبوده است و ۲/۸ درصد مخالف و ۳/۳ درصد نیز نگرش بینایی داشته اند. در ارتباط با این شاخص نگرش مردان به نسبت زنان در تأثیر زنان در تعادل خانواده کمتر است، گرچه قابل توجه نیست، زیرا طبق آمار، ۹۲/۷ درصد مردان و ۹۶/۸ درصد زنان موافق و خیلی موافق نقش زنان در تعادل خانواده هستند، و به همان نسبت ۳/۳ درصد مردان و ۱/۶ درصد زنان مخالف نقش زنان در تعادل خانواده در تعادل می باشند، بنابراین در نگرش مردان و زنان راجع به نقش زنان در تعادل خانواده تفاوت زیادی وجود ندارد و کم و بیش دیدگاه یکسانی دارند.

زنان عمدتاً گرایش به اشتغال در بیرون از خانه و کسب درآمد دارند، که از دلایل آن مشکلات اقتصادی و چالشهای روبروی انسان مدرن در زندگی است که چاره ای برای موافقت با اشتغال زن باقی نمی گذارد. ولی با این وجود برخی مردان، حتی زنان با آن مخالفت می کنند. طبق داده

های آماری، ۳۹/۸ درصد پاسخگویان موافق، ۱۴/۸ درصد بسیار موافق، ۳/۳ درصد بسیار مخالف و ۲۲/۸ درصد مخالف اشتغال زنان می‌باشند و ۱۹/۵ درصد نیز نگرش بینابینی داشته‌اند. نکته جالب توجه اینکه مردان بسیار موافق با اشتغال زنان یک سوم زنان می‌باشند، به عبارت دیگر ۹/۱ درصد مردان خیلی موافق اشتغال زنان بوده‌اند، در صورتیکه این رقم برای زنان ۲۷/۰ درصد است، به عبارت دیگر ۲۷/۴ درصد مردان مخالف و ۴/۰ درصد بسیار مخالف اشتغال زنان هستند، در صورتیکه زنان ۱۲/۷ درصد مخالف و ۱/۶ درصد بسیار مخالف اشتغال خودشان می‌باشند که نشانگر آنست که برخی زنان تمایلی به اشتغال در بیرون از خانه ندارند، دیدگاه‌های بینابین مردان و زنان نزدیک به هم است، زیرا نگرش ۲۱/۲ درصد مردان و ۱۵/۸ درصد زنان بینابین می‌باشد.

در این مطالعه، نظافت در خانه در اغلب موارد وظیفه زن تلقی شده است، زیرا جزو کارهای خانگی محسوب می‌شود. داده‌های آماری نشانگر آنست که اغلب پاسخگویان نظافت در خانه را وظیفه زنان دانسته‌اند، طبق آمار ۴۳/۸ درصد پاسخگویان با نظافت در خانه مردان موافق، ۱۴/۳ درصد بسیار موافق، ۱/۸ درصد بسیار مخالف و ۱۸/۵ درصد مخالف نظافت مردان در خانه می‌باشند و ۲۱/۸ درصد نگرش بینابینی داشته‌اند. به عبارت دیگر نزدیک به دو سوم پاسخگویان موافق و بسیار موافق نظافت مردان در خانه بوده‌اند. البته این بیشتر در جهت کمک به زنان است، نه وظیفه. نکته قابل توجه اینکه نگرش مردان نسبت به وظیفه مردان در نظافت در خانه با زنان متفاوت است. طبق آمار ۱/۱ درصد مردان و ۳ درصد زنان خیلی مخالف نظافت مردان در خانه می‌باشند و ۱۷/۵ درصد مردان و ۲۰/۶ درصد زنان مخالف نظافت مردان در خانه بوده، که در کل زنان به نسبت مردان دیدگاه مثبت تری به مردان داشته‌اند و در مقابل ۴۷/۸ درصد مردان موافق، ۱۳/۵ درصد خیلی موافق و ۳۴/۹ درصد زنان موافق و ۱۵/۹ درصد خیلی موافق نظافت مردان در خانه می‌باشند و ۲۰/۱ درصد مردان و ۲۵/۴ درصد زنان نگرش بینابینی داشته‌اند، بنابراین زنان نیز به نوعی اعتقاد به نابرابری جنسیتی دارند و وظیفه نظافت را بیشتر متوجه خودشان تا مردان می‌بینند. با این وجود، با توجه به نزدیکی آمار و ارقام گویه‌های مورد بررسی تفاوت قابل توجهی بین مردان و زنان وجود ندارد.

در ارتباط با شاخص قاطعیت زن در خانه اغلب پاسخگویان به ویژه زنان موافق آن می‌باشند. طبق داده‌های آماری، ۴۸/۵ درصد موافق، ۱۴/۵ درصد بسیار موافق، ۱۱/۳ درصد مخالف و ۲/۳

تفاوت‌های نگرشی مردان و زنان نسبت به نابرابری جنسیتی در خانواده.....۱۲۳

درصد بسیار مخالف قاطعیت زنان در خانه می باشند و ۲۳/۵ درصد نیز نگرش بینابینی دارند . دیدگاه مردان با زنان راجع به شاخص مورد نظر یکسان نیست ، چرا که هیچیک از زنان نگرش خیلی مخالف با قاطعیت زن در خانه ندارند ، در صورتیکه ۳/۳ درصد مردان مورد بررسی چنین نگرشی دارند و ۱۵/۰ درصد مردان گرایش مخالف با قاطعیت زن در خانه دارند ، در صورتیکه گرایش زنان در مخالفت با قاطعیت زن در خانه ۳/۲ درصد می باشد و در مقابل ۴۳/۴ درصد مردان گرایش موافق و ۱۰/۲ درصد گرایش بسیار موافق با قاطعیت زن در خانه دارند ، در صورتیکه گرایش زنان نسبت به قاطعیت آنها در خانه به نسبت مردان بیشتر است ،

جدول شماره(۱) نگرش پاسخگویان به تفکیک جنس نسبت به شاخصهای نابرابری جنسیتی در خانواده

شاخصها	گروه ها	خیلی مخالفم		مخالفم		بینابین		موافقم		خیلی موافقم	
		درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد
اعتماد به زن	مرد	۰/۴	۱	۳	۱/۱	۱۳	۴/۷	۱۵۷	۵۷/۳	۱۰۰	۳۶/۵
	زن	۰/۰	۰	۰	۰/۰	۸	۶/۳	۶۵	۵۱/۶	۵۳	۴۲/۱
آشپزی مرد	مرد	۸/۰	۲۲	۱۰۰	۳۶/۹	۶۱	۲۲/۳	۷۹	۲۸/۸	۱۱	۴/۰
	زن	۱۱/۲	۱۴	۳۰	۲۴/۰	۲۴	۱۹/۲	۴۷	۳۷/۶	۱۰	۸/۰
مشورت با زن	مرد	۸	۳	۸	۶/۳	۶	۲/۲	۱۶۱	۵۸/۸	۹۶	۳۵/۰
	زن	۰/۰	۰	۸	۵/۸	۷	۵/۶	۴۹	۳۸/۹	۶۲	۴۹/۲
نقش زن در تعادل	مرد	۰/۰	۰	۹	۳/۳	۱۱	۴/۰	۱۳۰	۴۷/۴	۱۲۴	۴۵/۳
	زن	۰/۰	۰	۲	۱/۶	۲	۱/۶	۵۷	۴۵/۲	۶۵	۵۱/۶
انتخاب شغل زن	مرد	۴/۰	۱۱	۷۵	۲۷/۴	۵۸	۲۱/۲	۱۰۵	۸۳	۲۵	۹/۱
	زن	۱/۶	۲	۱۶	۱۲/۷	۲۰	۱۵/۸	۵۴	۴۲/۹	۳۴	۲۷/۰
نظافت مرد در خانه	مرد	۱/۱	۳	۴۸	۱۷/۵	۵۵	۲۰/۱	۱۳۱	۴۷/۸	۳۷	۱۳/۵
	زن	۳/۲	۴	۲۶	۲۰/۶	۳۲	۲۵/۴	۴۴	۳۴/۹	۲۰	۱۵/۹
قاطعیت زن	مرد	۳/۳	۹	۴۱	۱۵/۰	۷۷	۲۸/۱	۱۱۹	۴۳/۴	۲۸	۱۰/۲
	زن	۰/۰	۰	۴	۳/۲	۱۷	۱۳/۵	۷۵	۵۹/۵	۳۰	۲۳/۸
احترام به زن	مرد	۰/۰	۰	۲	۰/۷	۷	۲/۶	۱۳۰	۴۷/۴	۱۳۵	۴۹/۳
	زن	۰/۰	۰	۲	۱/۶	۲	۱/۶	۶۵	۵۱/۶	۵۷	۴۵/۲
شستشوی لباس	مرد	۵/۸	۱۶	۱۱۰	۴۰/۱	۷۱	۲۵/۹	۶۸	۲۴/۸	۹	۳/۳
	زن	۹/۵	۱۲	۴۷	۳۷/۳	۲۷	۲۱/۴	۳	۳۲/۸	۱۰	۷/۹
نگهداری از بچه	مرد	۳/۶	۱۰	۵۹	۲۱/۵	۷۱	۲۵/۹	۱۱۵	۴۲/۰	۱۹	۶/۹
	زن	۰/۰	۰	۲۸	۲۲/۲	۳۷	۲۹/۴	۴۹	۳۸/۹	۱۲	۹/۵

بطوریکه طبق آمار ۵۹/۵ درصد موافق و ۲۳/۸ درصد بسیار موافق قاطعیت زن در خانه هستند که در مجموع ۷۳/۳ درصد زنان را در بر می گیرد که نسبت به سهم مردان ۲۰ درصد بیشتر است و ۲۸/۱ درصد مردان و ۱۳/۵ درصد زنان نیز گرایش بینابینی نسبت به قاطعیت زنان در خانه دارند. بنابراین دیدگاه مردان و زنان نسبت به قاطعیت زن در خانه متفاوت است .

احترام به یکدیگر در ثبات خانواده نقش مهمی ایفا می‌کند، داده‌های آماری نشان می‌دهد، هیچ پاسخگویی با شاخص احترام به زن مخالفت زیاد نداشته است و فقط یک درصد مخالفت نموده، که بسیار اندک است و ۴۸/۸ درصد پاسخگویان موافق و ۴۸/۰ درصد بسیار موافق احترام به زن در خانه بوده‌اند و ۲/۳ درصد نیز گرایش بینابینی داشته‌اند، و تفاوت چشمگیری بین دیدگاه مردان و زنان نسبت به احترام زن دیده نمی‌شود، بطوریکه مردان ۴۷/۴ درصد و زنان ۵۱/۶ درصد موافق احترام به زن و مردان ۴۹/۳ درصد و زنان ۴۵/۲ درصد بسیار موافق احترام به زن در خانه می‌باشند. به عبارت دیگر ۹۶/۷ درصد مردان و ۹۶/۸ درصد زنان موافق و بسیار موافق احترام زن در خانه می‌باشند که نشانگر عدم تفاوت بین آنهاست و ۰/۷ درصد مردان مخالف و ۱/۶ درصد زنان مخالف احترام به زن بوده و هیچکدام از پاسخگویان بسیار مخالف احترام به زن نبوده‌اند و ۲/۶ درصد مردان و ۱/۶ درصد زنان نگرش بینابینی نسبت به شاخص مورد نظر داشته‌اند. بنابراین آمار و ارقام نشانگر آنست که بین جنس و احترام به زن تفاوت معنی‌داری وجود ندارد، عبارت دیگر جنسیت، تأثیری در نگرش آنان نسبت به احترام به زن وجود ندارد و آنها نسبت به آن شاخص یکسان می‌اندیشند.

در فرهنگ ایرانی، شستشوی لباس خاص زنان تلقی می‌گردد و مردان برای انجام آن آموزش نمی‌دیدند و بالعکس دختران از دوران طفولیت برای انجام آن تربیت می‌شدند و جزو وظایف آنان محسوب می‌شده است. در صورتیکه در حال حاضر فرهنگ ایرانی دچار تغییرات و تحولات زیادی شده است، بطوریکه مردان نیز همانند زنان اعتقاد دارند، شستشوی لباس خاص زنان نیست و آنها نیز در این رابطه وظیفه دارند. داده‌های آماری، نشانگر آنست که ۷/۰ درصد پاسخگویان خیلی مخالف و ۳۹/۳ درصد مخالف شستشوی لباس توسط مردان هستند و ۲۴/۵ درصد موافق و ۴/۸ بسیار موافق هستند و ۲۴/۵ درصد نیز نگرش بینابینی دارند. گرچه تفاوت قابل توجهی در نگرش زنان و مردان نسبت به شاخص مورد نظر وجود ندارد، لیکن در برخی گویه‌ها دیدگاه زنان نسبت به مردان در ارتباط با شاخص مورد نظر مثبت‌تر است، زیرا ۱۵/۸ درصد مردان و ۹/۵ درصد زنان بسیار مخالف شستشوی لباس توسط مردان هستند و ۴۰/۱ درصد مردان و ۳۷/۳ درصد زنان مخالف شاخص مورد نظر هستند و در مقابل، ۲۴/۸ درصد مردان و ۲۳/۸ درصد زنان موافق شستشوی لباس توسط مردان و ۳/۳ درصد مردان و ۷/۹ درصد زنان بسیار موافق شاخص مورد نظر هستند که تفاوت زیادی با یکدیگر ندارند و ۲۵/۹ درصد مردان و ۲۱/۴ درصد زنان

تفاوت‌های نگرشی مردان و زنان نسبت به نابرابری جنسیتی در خانواده.....۱۲۵

نگرش بینابینی دارند، بنابراین تفاوت معنی داری بین جنس و شستشوی لباس مردان وجود ندارد و مردان و زنان تقریباً دیدگاه مشابهی دارند.

همچنین نگهداری از بچه جزو وظایف زنان تلقی می‌گردد، در صورتیکه در عصر حاضر، مردان نیز همانند زنان در نگهداری از بچه سهیم هستند، زیرا در بسیاری موارد زنان نیز همانند مردان در تأمین هزینه های زندگی نقش مهمی ایفا می‌کنند، لذا آنها نیز برای کسب در آمد در بیرون از منزل مشغول به کار می‌شوند و مردان به ناگزیر باید از بچه نگهداری کنند. طبق داده های آماری، ۲/۵ درصد پاسخگویان خیلی مخالف و ۲۱/۸ درصد مخالف نگهداری از بچه توسط مردان هستند و ۴۱/۰ درصد موافق و ۷/۸ درصد بسیار موافق هستند و ۲۷/۰ درصد نیز نگرش بینابینی نسبت به شاخص مورد نظر دارند که تفاوت قابل توجهی بین نگرش مردان و زنان نسبت به شاخص نگهداری از بچه وجود ندارد. داده های آماری، نشانگر آنست که ۳/۶ درصد مردان بسیار مخالف نگهداری از بچه توسط مردان هستند و این در صورتیست که هیچکدام از زنان بسیار مخالف نبوده اند و ۲۱/۵ درصد مردان و ۲۲/۲ درصد زنان مخالف بوده اند که بسیار نزدیک به یکدیگر است و ۴۲/۰ درصد مردان و ۳۸/۹ درصد زنان موافق و ۶/۹ درصد مردان و ۹/۵ درصد زنان بسیار موافق نگهداری از بچه توسط مردان بوده اند و ۲۵/۹ درصد مردان و ۲۹/۴ درصد زنان نگرش بینابینی نسبت به شاخص مورد نظر داشته اند. بنابراین تفاوت قابل توجهی بین مردان و زنان نسبت به نگهداری از بچه ها توسط مرد در خانه وجود ندارد.

#### خلاصه و نتیجه گیری

گرچه نابرابری جنسیتی در خانواده از دوران قدیم تا جدید بر جامعه جهانی سایه افکنده است، لیکن میزان آن از جامعه ای به جامعه دیگر متفاوت است که این تفاوت تا حد زیادی ناشی از فرهنگ حاکم بر آن کشور است. در کشور ما نیز فرهنگ حاکم در طول سالیان متمادی نگرشهای مردسالاری حاکم بوده است، لیکن در چنددهه اخیر تفاوت های قابل ملاحظه ای داشته است. در برخی شاخص های دهگانه مورد بررسی، تفاوت قابل توجهی بین مردان و زنان وجود ندارد، بعنوان مثال در شاخص اعتماد به زن، احترام به زن و نگهداری از بچه دیدگاه مردان و زنان تقریباً یکسان است، لیکن در مورد شاخص آشپزی مرد در خانه، دیدگاه مردان و زنان تفاوت اندکی دارد، زیرا ۲۸/۸ درصد مردان، موافق آشپزی یا کمک در آشپزی مردان در خانه هستند، در صورتیکه این نسبت برای زنان ۳۷/۶ درصد است، همچنین ۴/۰ درصد مردان و ۸/۰ درصد زنان

خیلی موافق آشپزی مردان بوده اند که نشانگر آنست که تفاوت تقریباً ۱۳ درصدی بین دیدگاه مردان و زنان در گزینه مذکور وجود دارد. البته این تفاوت نگرش در مورد مشورت با زن به ۵ درصد کاهش پیدا می‌کند و همچنین در شاخص نقش زن در تعادل نیز روند کاهش ادامه پیدا می‌کند، و تفاوت به ۴ درصد می‌رسد، لیکن در مورد شاخص نظافت مرد در خانه تفاوت نگرش مردان و زنان اندکی افزایش می‌یابد، زیرا ۶۱/۳ درصد مردان موافق و بسیار موافق با نظافت مردان در خانه هستند، در صورتیکه این نسبت برای زنان ۵۰/۸ درصد است، که بیانگر آنست که زنان نیز اعتقادی به نظافت مردان در خانه ندارند.

در ارتباط با شاخص شستشوی لباس، تفاوت نگرش مردان و زنان افزایش پیدا می‌کند. داده‌های آماری نشان می‌دهد، تفاوت نگرش مردان و زنان در شاخص‌های نظافت خانه و شستشوی لباس توسط مردان، به ترتیب ۱۰ درصد و ۱۲ درصد است. لیکن در شاخص‌های قاطعیت و اشتغال زن تفاوت نگرش قابل توجه است، زیرا ۵۳/۶ درصد مردان موافق و بسیار موافق قاطعیت زن در خانه هستند، در صورتیکه این نسبت برای زنان ۸۳/۳ درصد است که فاصله نگرش مردان و زنان به ۳۰ درصد می‌رسد و این تفاوت در شاخص انتخاب شغل به ۵۰ درصد افزایش پیدا می‌کند، چراکه فقط ۱۷/۴ درصد مردان موافق و بسیار موافق انتخاب شغل توسط زنان بوده‌اند و این نسبت برای زنان ۶۷/۹ درصد است.

بنابراین در مجموع شاخص‌های اعتماد به زن، نگهداری از بچه و احترام به زن در نگرش مردان و زنان یکسان است، و شاخص‌های مشورت با زن و نقش زن در تعادل خانواده، تفاوت نگرش مردان و زنان ۴ الی ۵ درصد است و در مورد شاخص‌های نظافت مرد در خانه، شستشوی لباس و آشپزی مرد در خانه، تفاوت نگرش ۱۰ الی ۱۳ درصد و در مورد شاخص‌های قاطعیت زن در در خانه و انتخاب شغل به ۳۰ الی ۵۰ درصد می‌رسد.

در نهایت نتایج حاصل از سنجش، نشانگر آنست که نابرابری جنسیتی در خانواده وجود دارد، زیرا ۶/۰ درصد پاسخگویان دیدگاه بینابینی نسبت به نابرابری جنسیتی در خانواده داشته‌اند و ۶۱/۰ درصد موافق و ۳۳/۰ درصد مخالف نابرابری جنسیتی علیه زنان بوده‌اند، که در کل به جز دو شاخص قاطعیت و انتخاب شغل توسط زنان، تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین نگرش مردان و زنان وجود ندارد. این نتایج بیانگر آنست که در جامعه ما تفکر کارکردگرایی حاکم است.

## پی‌نوشت‌ها

1-Liz Steel

2-Warren

## منابع

- حکیم پور، محمد (۱۳۸۲). **حقوق زن در کشاکش سنت و تجدید**. تهران: نغمه نو اندیش .
- خانی، فضیله (۱۳۸۵). **جنسیت و توسعه**. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی .
- دلفی، کریستین؛ لئونارد، دیانا (۱۳۸۶). «گوناگونی کارهایی که همسران انجام می دهند». ترجمه فریده همتی، **فمینیسم و دیدگاهها**، تهران: روشنگران و مطالعات زنان .
- رابرتسون، یان (۱۳۷۴). **درآمدی بر جامعه**. چاپ دوم. ترجمه حسین بهروان. مشهد: موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی .
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). **مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده**. تهران: سروش؛ پژوهان سینا.
- محمد اصل، عباس (۱۳۸۱). **جنسیت و مشارکت: درآمدی بر جامعه شناسی مشارکت سیاسی زنان ایران**. تهران: روشنگران و مطالعات زنان .
- وستوودن، سالی (۱۳۸۶). «کارگران خانگی» ترجمه الهه غیاثوند. **فمینیسم و دیدگاهها**. تهران: روشنگران و مطالعات زنان .

Jaquette , J . S . and K . A . S Taudt(1982). Women and Modernization Theory : A decade of feminism criticism ". **Word politics** , vol . xxxiv , hoz .

Karamara , C , and P . A . Treichler(1985). **A Feminist Dictionary In our own words** . Landon : Pandora press .

Millett , K(1972). **sexual politics** . London : sphere Books .

Steel.L.and warrn. K.(2001)" The Family " **palyrave** .

Wood , J . t(1999). **Gendered Lives Communication , Gender , and Culture** . Canada : wadsworth publishing Inc . 3 rd ef .